

Analytical review of interpretative narratives related to Jafar Tayyar

, Sajid Ali Chandio¹ | Nasser Rafie Mohamadi (Corresponding Author)²

(DOI): [10.22034/skh.2024.19728.1573](https://doi.org/10.22034/skh.2024.19728.1573)

Abstract

Original Article

P 28 -48

We have a large collection of interpretative hadiths, which is considered one of the most important sources of the Qur'an after the Holy Qur'an, although many of these narrations that are included in the interpretations have the problem of missing or weak evidence, but according to the text of the proofs and evidences, they play a valuable role in the interpretation and explanation of the divine word. Tafsir narrations have different types, such as explanation of the word, explanation of the reason for revelation, interpretation and comparison, extraction of rulings, explanation of the verses and interpretation, explanation of its examples, interpretation of the Qur'an to the Qur'an, illustration, simile, etc. Some of the explanatory narrations have given examples for the verses, these examples are of 2 types, some examples are exclusive, such as the Ikmal verse, which is about Imam Ali. The second part is the complete or clear example of that verse without exclusivity. The name and personality of Jafar bin Abi Talib is also mentioned in more than 30 verses of the Quran according to the available sources, many of these verses are of the second category, although the verse is general and comprehensive or has another reason for revelation, but since the Quran is beyond time and space, Imams have generalized and developed the meaning of the verse on other examples. The verses related to Jafar Tayyar in Tafsir and Hadith sources are:

There are 34 verses in the 26 surahs of the Holy Quran, 12 of which are Medinan and 14 are Meccan, of which Jafar Tayyar is one of the prominent examples. Surah Baqarah two verses (13 and 25), Ale Imran one verse (33), Nisa one verse (69), An'am one verse (54), Aa'raf one verse (46), Anfal one verse (34), Tawbah three verses (19, 106, 119), Yunus one verse (62), Hijr one verse (47), Nahl one verse (41), Isra one verse (9), Hajj three verses (24, 39, 40), Noor one verse (36), Qasas one verse (61), Ahzab one verse (23), Fater one verse (22), Sad one verse (28), Zumar one verse (10), Jathiyah one verse (21), Muhammad two verses (4, 11), Hujurat one verse (15), Toor one verse (17), Hadid one verse (19), Tahrim one verse (8), Abas two verses (38, 39), Mutaffifin two Verse (22, 23). In some of these verses, Jafar is placed next to the Ahl al-Bayt family, which shows his position. And also, in some verses that refer to the righteous, the honest, the faithful, the pious, the good, the martyrs, those who got permission of Jihad, the living, those who left their lands, Mujahideen, etc.; Jafar is the main axis.

Keywords: Holy Quran, Jafar Tayyar, Prophet, Ali, Hamza, Hassanain..

1. Doctoral student of Ahl al-Bayt history, Islamic History, Sira and Civilization Complex, Al-Mustafa International University of Pakistan. sajedali_chandiv@miu.ac.ir

2- Associate Professor of the Complex of History, Tradition and Islamic Civilization of the Mostafa International Society (PBUH) Qom, Iran

Received: 2022/09/01 | Accepted: 2022/11/11



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

بررسی تحلیلی روایات تفسیری مرتبط با جناب جعفر طیار

ساجد علی چاندیو^۱ | ناصر رفیعی محمدی (نویسنده مسئول)^۲

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/skh.2024.19728.1573](https://doi.org/10.22034/skh.2024.19728.1573)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

ص: ۴۸/۲۸

مجموعه سترگی از احادیث تفسیری در اختیار ماست که از مصادر مهم قرآنی پس از قرآن کریم محسوب می‌شود. گرچه بسیاری از این روایات که در تفاسیرهای قرآن آمده، مشکل فقدان یا ضعف سند دارد، اما با توجه به متن، قراین و شواهد، نقش ارزنده‌ای در تفسیر و تبیین کلام الهی دارند. روایات تفسیری، گونه‌های مختلفی دارد؛ از جمله: توضیح واژه، بیان سبب نزول، جری و تطبیق، استخراج احکام، بیان بطون آیات و تأویل، تبیین مصادیق آن، تفسیر قرآن به قرآن، تمثیل، تشبیه و ... بخشی از روایات تفسیری، به بیان مصادیق برای آیات پرداخته است. این مصادیق، ۲ قسم است؛ برخی، مصادیق انحصاری است؛ مانند آیه اکمال که در مورد امیر مؤمنان (ع) است. قسم دوم، بیان مصادیق اتم یا بارز آن آیه، بدون انحصار است. نام و شخصیت جعفرین ابی طالب (ع) نیز طبق منابع موجود، در بیش از ۳۰ آیه قرآن آمده است. بسیاری از این آیات، از قسم دوم است. گرچه آیه عام و فراگیر است و یا سبب نزول دیگری دارد، اما از آنجا که قرآن فرا زمان و فرا مکان است، امامان (ع) آیه را بر سایر مصادیق تعمیم و توسعه معنایی داده‌اند. آیات مربوط به جعفر طیار در منابع تفسیری و حدیثی عبارت‌اند از:

در ۲۶ سوره قرآن کریم که ۱۲ مدنی و ۱۴ مکی است، ۳۴ آیه وجود دارد که جعفر طیار، یکی از مصادیق بارز آن می‌باشد؛ شامل سوره‌های: بقره دو آیه (۱۳ و ۲۵)، آل عمران یک آیه (۳۳)، نساء

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اهل بیت (ع)، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیة، پاکستان:

sajedali_chandiv@miu.ac.ir

۲. مجتمع تاریخ، سیره و تمدن اسلامی جامعه المصطفی العالمیة، قم، ایران: naser_rafieimohamadi@miu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰



یک آیه (۶۹)، انعام یک آیه (۵۴)، اعراف یک آیه (۴۶)، انفال یک آیه (۳۴)، توبه سه آیه (۱۹، ۱۰۶ و ۱۱۹)، یونس یک آیه (۶۲)، حجر یک آیه (۴۷)، نحل یک آیه (۴۱)، اسراء یک آیه (۹)، حج سه آیه (۲۴، ۳۹ و ۴۰)، نور یک آیه (۳۶)، قصص یک آیه (۶۱)، احزاب یک آیه (۲۳)، فاطر یک آیه (۲۲)، ص یک آیه (۲۸)، زمر یک آیه (۱۰)، جاثیه یک آیه (۲۱)، محمد دو آیه (۴ و ۱۱)، حجرات یک آیه (۱۵)، طور یک آیه (۱۷)، حدید یک آیه (۱۹)، تحریم یک آیه (۸)، عبس دو آیه (۳۸ و ۳۹) و مطففین دو آیه (۲۲ و ۲۳). در برخی از این آیات، جعفر در کنار خاندان اهل بیت (ع) قرار گرفته است که نشان‌دهنده جایگاه والای اوست. همچنین، در برخی آیات که به صالحان، صادقان، مؤمنان، ابرار، تقواییشان، نیکان، شهداء، اذن قتال‌یافتگان، زندگان، خارج‌شدگان از سرزمین‌هایشان، مجاهدان و غیره اشاره دارند، حضرت جعفر محور اصلی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، جعفر طیار، پیامبر (ص)، علی (ع)، حمزه، حسنین (ع).

مقدمه

با مطالعه و تحقیق درباره آیات قرآن کریم در روایات معصومین (ع) و تفاسیر مربوط به آنها، معلوم می‌شود که آیات قابل توجهی از قرآن کریم در مورد جناب جعفر طیار یا گروهی که جعفر از جمله آنان است، نازل گشته است و یا امامان معصوم (ع) در ذیل این آیات، در روایات تفسیری‌شان حضرت جعفر طیار را به عنوان یکی از مصادیق بارز این آیات معرفی کرده‌اند. شایان ذکر است که بسیاری از آیات قرآن کریم که ذیل آن، ذکری از حضرت جعفر طیار آمده، از امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) و همچنین از ابن عباس نقل شده است. بیشتر روایات تفسیری مرتبط با حضرت جعفر طیار، در سه منبع قرن سوم، یعنی: تفسیر حبری^۱، تفسیر فرات کوفی (م ۳۰۷ق)^۲ و شواهد

۱. تفسیر حبری، یک تفسیر روایی و کلامی است که ابو عبدالله حسین بن حکم آن را در قرن سوم هجری قمری نوشته است. در این کتاب، به آیاتی پرداخته شده که در شأن حضرت علی (ع) نازل شده‌اند. برخی عالمان متأخر، روایات حبری را معتبر دانسته، در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند؛ مانند: حسکانی در شواهد التنزیل، فرات کوفی و محمد بن جریر طبری در تفاسیر خود، طحاوی در مشکل الآثار، بحرانی در غایة المرام، اللوامع النورانیة و البرهان (ر.ک: حسین بن حکم، ۱۴۰۸ق: ۱۸۲).

۲. تفسیر فرات کوفی، از جمله تفاسیر روایی است. نویسنده آن، ابوالقاسم فرات کوفی، از عالمان، محدثان و مفسران شیعی نیمه دوم قرن سوم و اوایل قرن چهارم قمری است. در این تفسیر، تنها آیاتی گردآوری شده که در شأن اهل بیت (ع) نازل شده است. این تفسیر، یکی از مهم‌ترین مصادر تفسیری شیعه است و عالمانی همچون: شیخ صدوق، حاکم حسکانی، محمد بن علی شجری (م ۴۴۵ق)، و نیز محدثان بزرگ متأخر، مانند شیخ حرّ عاملی و علامه مجلسی، از فرات نقل کرده‌اند. باید گفت بسیاری از اسناد آن، ضعیف است و حدود هشتاد درصد

التنزیل حسکانی (م ۴۹۰ق)^۱ دیده می‌شود. در منابع تفسیری دیگر و همچنین در منابع حدیثی نیز روایات تفسیری مرتبط با جعفر آمده است که اندک است. در بیشتر این آیات، جعفر در کنار خاندان اهل بیت (ع)، از جمله: پیامبر (ص)، امام علی (ع)، فاطمه (س)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع) و خدیجه یاد شده است و حضور ایشان در کنار اهل بیت (ع)، قوام‌بخش جایگاه اوست. در دسته‌ای دیگر از آیات، جعفر محور اصلی قرار گرفته و حمزه، عبیده، سلمان، ابوذر، عمار، مقداد، خدیجه بن‌یمان، عقیل، زید و غیره، با ایشان در یک گروه قرار گرفته‌اند. البته در این دسته، نام حمزه و جعفر، در کنار همدیگر بیشتر دیده می‌شود.

به تألیف جداگانه‌ای از سوی محققان در این زمینه برخوردیم؛ اما در کتاب‌هایی که درباره حضرت جعفر طیار نوشته شده، به اختصار به این موضوع اشاره شده است. با توجه به اهمیت و نقش حضرت جعفر طیار در حمایت از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و نیز تثبیت دین اسلام، این موضوع نیاز به تحقیق دارد.

کتاب‌هایی در مورد حضرت جعفر طیار نوشته شده است که یکی از آنها، حاوی مطالبی مرتبط به موضوع ماست. جعفر طیار مردی که اگر می‌بود تألیف محمد مهدی معماریان می‌باشد. قسمتی از فصل هفتم این کتاب، مربوط به موضوع ماست و در زمینه آیات مربوط به جناب جعفر، به اختصار چند تا روایات تفسیری گردآوری شده است؛ درحالی‌که موضوع و هدف تحقیق ما، تحلیل و شرح مفصل تمام آیات و روایات تفسیری مربوط به حضرت جعفر طیار است. کتاب دیگر که با این نوشتار مرتبط است، حمزه بن عبدالمطلب سید الشهداء نوشته دکتر منصور داداش‌نژاد است. در این کتاب، وقتی حمزه در منابع تفسیری بیان گردیده، آن آیاتی که جعفر در کنار حمزه قرار گرفته نیز آورده شده است. بیشتر این آیات، گردآوری است و هیچ تحلیلی نشده‌اند. افزون بر این، فقط آن آیاتی را بیان نموده است که مرتبط با حمزه بوده و کنار ایشان جعفر نیز ذکر شده است و تمام آیاتی که مرتبط با جعفر طیار است، بیان نشده است؛ درحالی‌که ما تمام آیاتی را که درباره حضرت جعفر است، مورد

اسنادش، منقطع است؛ البته حدیث ضعیف را می‌توان در پرتو گردآوری قرینه‌ها و شواهد تقویت‌کننده، به گردونه اعتبار در آورد (ر.ک: عبدالهادی مسعودی، «اعتبارسنجی منابع تفسیر روایی شیعه»، تفسیر اهل بیت (ع)، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۲: ۲۶-۲۷).

۱. شواهد التنزیل، تألیف حاکم حسکانی، از منابع معتبر تفسیر روایی اهل سنت به شمار می‌رود. مؤلف، در این کتاب به بیان مناقب امیرالمؤمنین (ع) و خاندان وی پرداخته و بیشتر از جوامع روایی عامه استفاده نموده است؛ اما از منابع شیعی هم نقل کرده است. عالمان شیعی، احادیث این کتاب را معتبر دانسته، از وی نقل کرده‌اند؛ مانند طبرسی در تفسیر مجمع البیان و علامه مجلسی در بحار الأنوار (آقابزرگ تهرانی، بی‌تا: ۲۹۳/۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳/۱).

بررسی قرار داده‌ایم. با توجه به پیشینه این کار که ناقص است و فقط به صورت گردآوری سامان یافته، کار این نوشتار، بررسی و تحلیل تمام آیات و روایات تفسیری مرتبط با جعفر است که از این نظر، یکی از نوآوری‌های نوشتار حاضر می‌باشد.

گونه‌شناسی روایات تفسیری در مورد جعفر بن ابی طالب (ع)

بدون تردید، قرآن کریم اساس و منشأ معرفت دینی در اسلام است. قرآن، بیانگر هر چیزی است (نحل: ۸۹) و همگان را به صراط استوار هدایت می‌کند (اسراء: ۹). قرآن خود وظیفه تبیین را بر عهده پیامبر نهاده (نحل: ۴۴) و رسول خدا (ص) در حدیث ثقلین، اهل بیت (ع) را همتای قرآن معرفی نموده است. این حدیث، در ده‌ها منبع معتبر آمده است (ر.ک: لجنة التحقيق لمدرسة الامام باقر العلوم (ع)، ۱۴۲۲ق). قرآن کریم مردم را برای کشف مجهولات، به اهل ذکر ارجاع داده است (نحل: ۴۳). ذکر، به مفهوم آگاهی است و اهل ذکر، به معنای آگاهان و کارشناسان است. روایات متعددی از رسول خدا (ص) مبنی بر معرفی امامان به عنوان اهل ذکر رسیده است: «الذکر أنا والائمة اهل الذکر؛ مراد از ذکر، من و مراد از اهل ذکر، امامان (ع) هستند» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱/۲۱۰).
صدها روایت تفسیری از رسول خدا (ص) و ائمه (ع) رسیده که می‌توان آنها را در چند رده دسته‌بندی کرد.

مقصود از روایات تفسیری، مجموعه سخنان اهل بیت (ع) است که به قرآن مربوط می‌شود. این روایات، گاه مستقیم به تفسیر آیه می‌پردازد و گاهی به لایه‌های درونی و باطنی آیات توجه می‌دهد و برخی هم به روش‌های غلط و ناروا هشدار می‌دهد. بخش قابل ملاحظه‌ای از روایات تفسیری، فضای نزول آیات را بیان می‌کند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰ش: ۱۲۳).
بنابراین، روایات تفسیری، اعم از روایات سبب نزول است. روایات تفسیری، به شیوه‌های مختلف تفسیر، مانند: تفسیر قرآن به قرآن، عقلي، فقهی، علمی، عرفانی، باطنی و لفظی اشاره دارد.

انواع آیات در سبب نزول: آیات قرآن، بر چند دسته است:

۱. آیات که فاقد سبب نزول خاصی است. بخش زیادی از آیات قرآن، چنین است؛ به‌ویژه آیات قصص و تاریخی؛ ۲. آیاتی که سبب نزول خاصی دارد. مراد آیاتی است که به دنبال حادثه یا اتفاقی فرود آمده است؛ ۳. بخشی از آیات هم به بیان مصادیق یا بالاترین مصداق پرداخته است؛ هرچند سبب نزول آیه نیست (حجتی، ۱۳۶۹: ۲۰). این روایات، به گسترش مفاهیم و مصادیق پرداخته است. بخشی از آنچه در این نوشتار می‌آید، از این قسم است که امام (ع) به توسعه معنایی و مصداق

پرداخته و آیه را بر مصادیق بارز و برتر تطبیق داده است. طبعاً این موارد، مصداق منحصر به فرد نیست؛ به عنوان مثال، معرفی اهل بیت (ع) و امامان (ع) به عنوان مصداق آیه شریفه «أولى الأمر (نساء: ۵۹)» منحصر به فرد است و تکرر بردار نیست؛ اما تفسیر صراط مستقیم به علی (ع)، از قبیل تفسیر به مصداق برتر و بارز است (فاکر میبیدی، ۱۳۹۳: ۳۲۳).

۱. ایمان حضرت جعفر طیار

جعفر، در شمار نخستین گروندگان به اسلام بود و جزو اندک کسانی بود که به عنوان پیشگامان اسلام به دین مقدس اسلام تشریف یافت (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۳۴/۴) و این امتیاز جاودانی را برای همیشه با خود همراه ساخت. در چندین روایات تفسیری، شاهد ایمان خالص ایشان هستیم؛ ایمانی که در آن هیچ شک و تردید جا ندارد. آیتی که به ایمان و ویژگی ایمان آوردن او اشاره دارند، به شرح زیر است:

- «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ آمَنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَ لَكِن لَّا يَعْلَمُونَ (بقره: ۱۳)؛ چون به آنان گویند: ایمان آورید، چنان که دیگر مردم ایمان آوردند، می گویند: آیا ما هم مانند سبک مغزان ایمان آوریم؟ آگاه باشید! قطعاً اینان خود سبک مغزند؛ ولی [از شدت کوردلی، به این حقیقت] آگاه نیستند.»

در این آیه، به یکی از نشانه‌های منافقان اشاره شده است؛ آنان بر این عقیده‌اند که فقط احمقان به پیامبران ایمان می آورند! این دیدگاه، در جوامع پیامبران پیشین نیز دیده می شود. به گفته قرآن، این افراد، خود احمق هستند؛ ولی از این خبر، بی خبراند.

طبق روایت ابن عباس، این آیه در شأن حضرت علی (ع)، جعفر طیار، حمزه، سلمان، ابوذر، عمار، مقداد، حذیفه بن یمان و غیره نازل شده است (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۹۳/۱) که این شخصیت‌ها را مصداق مؤمنان دانسته، در مقابل، منافقان را سبک مغز معرفی می کند. جعفر، یکی از مصادیق بارز این مؤمنان می باشد و حضورش در کنار امام علی (ع)، قوام بخش جایگاه اوست.

- در خصوص کسانی که به پیامبر (ص) و آیات الهی ایمان دارند که یکی از آنها جعفر طیار است، آمده:

«وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ... (انعام: ۵۴)؛ و هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان می آورند، به نزد تو آیند، بگو: سلام بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر کرده.»

این آیه، اشاره می کند بر آن دسته از افرادی که نشستن با آنها به ارزش‌های زمان جاهلیت شرم داشت و بر اساس شئون اسلامی، این افراد به این مقام رسیده‌اند که به رسول خدا (ص) دستور

داده شده است که وقتی این افراد نزد شما آمدند، سلام کنید، حقوق بشری و احترام انسانی را به آنها عطا کنید، آنان را تکریم و احترام نمایید و بشارت دهید که خداوند رحمت را بر آنان لازم ساخته است. ابن عباس، نزول آیه مذکور را برای حضرت علی (ع)، حمزه (ع)، جعفر (ع) و زید دانسته است (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۲۶۱/۱؛ کوفی، ۱۴۱۰ق: ۱۳۴). اینها کسانی هستند که پیامبر (ص) درباره آنها دستور سلام و تکریم و مزده به رحمت پروردگار را دریافت کرده است.

- جعفر، از مؤمنان حقیقی است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَزْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (حجرات: ۱۵)؛ مؤمنان فقط کسانی اند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند. آنگاه [در حقانیت آنچه به آن ایمان آورده‌اند،] شک ننموده و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا جهاد نموده‌اند. اینان [در گفتار و کردار،] اهل دوستی و راستی‌اند.» در این آیه، نشانه‌های مؤمنان واقعی بیان شده است که وقتی به خدا و رسولش ایمان می‌آورند، با یقین به اینکه ایمانشان بعداً در آزمایشی متزلزل نمی‌شود، از انفاق مال و به خطر انداختن جان خود در جهاد نمی‌ترسند.

ابن عباس می‌گوید: این آیه، درباره حضرت علی بن ابی‌طالب (ع)، حمزه بن عبدالمطلب و جعفر طیار نازل شده است (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۲۵۹/۲)؛ آنان که هرگز در ایمان خود به خدا و رسولش شک نکردند و با مال و جان خویش در راه خدا جهاد کردند؛ اینان همان مردم راستین هستند.

- جعفر همواره از خدا و رسولش اطاعت نموده است. قرآن به این موضوع اشاره می‌نماید: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا (نساء: ۶۹)؛ و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی از پیامبران و صدیقان و شهیدان و شایستگان خواهند بود که خدا به آنان نعمت [ایمان و اخلاق و عمل صالح] داده و اینان نیکورفیقانی هستند.»

این آیه، ناظر به کسانی است که از خدا و رسولش اطاعت می‌کنند و در مقابل، پروردگار به لطف و فضل خود، به آنان همراهی با پیامبران، صدیقان، شهدا و صالحان را می‌بخشد.

به روایت عبدالله بن عباس، در آیه مذکور منظور از «وَالشُّهَدَاءِ» حضرت علی بن ابی‌طالب (ع)، جعفر طیار، حمزه بن عبدالمطلب، حسن (ع) و حسین (ع) هستند و اینها رهبران شهدا می‌باشند (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۱۹۷/۱). کوفی در ذیل این آیه در تفسیر فرات کوفی می‌نویسد: بهترین شهدا، حمزه بن عبدالمطلب و جعفر بن ابی‌طالب ذوالجناحین هستند (کوفی، ۱۴۱۰ق: ۱۱۲).

- حضرت جعفر، به امیر مؤمنان علی (ع) ایمان کامل داشت. در قرآن آمده: «وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ

مِنَ الْقَوْلِ وَ هُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ (حج: ۲۴)؛ و به سوی گفتار پاک و پاکیزه [مانند: سلام، الحمد لله و سبحان الله] راهنماییشان کنند و به راه پسندیده [که راه بهشت است،] هدایتشان نمایند.»

طبق روایتی که کلینی از امام جعفر صادق (ع) نقل کرده، مراد از آیه مذکور، حمزه، جعفر، عبیده، سلمان، ابوذر، مقداد و عمار هستند که به امیرمؤمنان (ع) هدایت شدند (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۱/۴۲۶).

- جعفر، از صادقین و از جمله کسانی است که مطیع پیامبر و اهل بیت (ع) هستند: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (توبه: ۱۱۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و با صادقان باشید؛ [صادقانی که کامل‌ترینشان پیامبران و اهل بیت رسول بزرگوار اسلام هستند].»

در این آیه، دستور داده شده که ابتدا تقوا پیشه کنید. سپس، با نیکوکاران باشید؛ یعنی با کسانی بمانید که در جهاد، پیمان، وعده‌ها و سخنان خود، صادق هستند. طبرسی در مجمع البیان می‌نویسد: «صادقین» به افرادی اطلاق می‌شود که در آیه ۲۳ سوره احزاب به آنها اشاره شده است؛ یعنی حضرت حمزه و حضرت جعفر طیار که به عهد خود وفا کردند (جام شهادت را نوشیدند) و دیگری حضرت علی (ع) است که در آرزوی شهادت است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۵/۱۲۲).

- جعفر، از اولیا و شهدای واقعی است: «وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَ الشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (حدید: ۱۹)؛ و کسانی که به خدا و پیامبرش ایمان آوردند، آنان‌اند که صدیقان و گواهان [اعمال] نزد پروردگارشان هستند [و] برای آنان است پاداش [اعمال]شان و نور [ایمان]شان و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را انکار کردند، به یقین اهل دوزخ‌اند.»

ابن عباس می‌گوید: کسانی که به خدا ایمان آوردند، یعنی یگانگی خدا را تصدیق کردند، علی بن طالب (ع)، حمزه بن عبدالمطلب و جعفر طیار هستند؛ آنان‌اند که صدیقان و گواهان [اعمال] نزد پروردگارشان می‌باشند (ابن طاووس، ۱۴۱۳ ق: ۴۱۳؛ همو، ۱۴۰۰ ق: ۱/۹۴). به روایت دیگری از ابن عباس، در آیه مذکور مراد از صدیقان و شهدا، حضرت علی (ع) حمزه و جعفر طیار هستند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق: ۳/۸۹).

- جعفر، از جمله مؤمنانی است که خداوند مالک اوست: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ أَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ (محمد: ۱۱)؛ این (پیروزی مؤمنان و نابودی کافران)، به سبب این است که خدا سرپرست و یاور کسانی است که ایمان آورده‌اند و کافران را سرپرست و یاری نیست.»

این آیه، به این مطلب اشاره دارد که خداوند، رب و مالک مؤمنان است و کافران، بی‌سرپرست‌اند.

به روایت ابن عباس، در آیه فوق مراد از مؤمنانی که مولا و خالقشان خداوند است، حضرت علی (ع)، حمزه، جعفر، فاطمه (س)، حسن (ع)، حسین (ع) و پیامبر (ص) هستند و مراد از کافران که بی سرپرست اند، ابوسفیان بن حرب و گروهش است (حسکانی، ۱۴۱۱ ق: ۲/۲۴۴).

۲. ویژگی‌های جعفر طیار

یکی از ویژگی‌های حضرت جعفر طیار، این است که خداوند وی را شایسته تولیت مسجدالحرام و خانه خویش قرار داده است.

در قرآن آمده: «وَمَا لَهُمْ آلًا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَ هُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (انفال: ۳۴)؛ و چه چیزی مانع آنان است که خدا عذابشان نکند؛ درحالی که [مردم مؤمن را] از ورود به مسجدالحرام [و عبادت در آن،] با آنکه متولیان آن نیستند، باز می‌دارند؛ متولیان [شایسته و واقعی] این [مکان مقدس،] فقط پرهیزکاران اند؛ ولی بیشتر مشرکان نمی‌دانند [که تولیت آنجا شایسته آنان نیست].»

این آیه، در مورد ولایت مسجدالحرام و اداره آن است که ضمن توییح مشرکان، آنان را شایسته این وظیفه نمی‌داند و تنها افراد متقی را متولی می‌داند. از ابن عباس نقل شده است که در این آیه، مراد از «الْمُتَّقُونَ»، علی بن ابی طالب (ع)، حمزه، جعفر و عقیل هستند و همین افراد، صاحب تقوا و متولی مسجدالحرام می‌باشند (حسکانی، ۱۴۱۱ ق: ۱/۲۸۳).

یکی از ویژگی‌های جعفر، این است که وی نه بیم دارد و نه اندوهگین می‌شود؛ «إِنَّا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (یونس: ۶۲)؛ آگاه باشید! یقیناً دوستان خدا نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.»
در این آیه، به برخی خصوصیات بندگان خاص پروردگار اشاره شده است که نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند.

از ابوهریره روایت شده است که پیامبر (ص) فرمود: «همانا در میان بندگان، بندگان هستند که پیامبران به آنها افتخار می‌کنند؛ آنان برای رضای خداوند یکدیگر را دوست می‌دارند؛ بدون غرض مال و دنیا، چهره‌هایشان روشن است، روزی که دیگران می‌ترسند، آنها نمی‌ترسند و نه روزی که دیگران غمگین می‌شوند، غمگین خواهند شد. آیا می‌دانید آنان کیستند؟ گفتیم: ای رسول خدا! ما نمی‌دانیم. فرمود: آنها علی بن ابی طالب (ع)، حمزه بن عبدالمطلب، جعفر و عقیل هستند. سپس، این آیه را تلاوت نمود (حسکانی، ۱۴۱۱ ق: ۱/۳۵۴).

یکی دیگر از ویژگی‌های جعفر، این است که قاتلان او، اگرچه ظاهراً اسلام را قبول کرده باشند، ولی خداوند اعمالشان را معلق است و در اختیار خداوند است که آنان را مستحق بهشت قرار دهد یا مستحق جهنم. البته خداوند، عادل است و قاتلان وی را نمی‌بخشد؛ زیرا ایمان در دل‌هایشان چنان وارد نشده است که جزء مؤمنان حقیقی باشند.

«وَ آخِرُونَ مُّزَجَّوْنَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (توبه: ۱۰۶)؛ و گروهی دیگر، کارشان موقوف به مشیت خداست؛ یا آنان را عذاب می‌کند یا توبه آنان را می‌پذیرد و خدا دانا و حکیم است.»

منظور از این آیه، مشرکانی هستند که مؤمنان را به شهادت رساندند و سپس، توبه کردند؛ اما نه در آن حدی که جزء مؤمنان حقیقی باشند.

امام باقر(ع) در مورد این جمله «وَ آخِرُونَ مُّزَجَّوْنَ لِأَمْرِ اللَّهِ» می‌فرماید: آنها گروهی از مشرکان هستند که حمزه و جعفر بن ابی‌طالب و مؤمنانی مانند آنها را کشتند. سپس، اسلام قبول کردند و بر یگانگی خدا ایمان آوردند و از شرک دوری نمودند؛ اما ایمان در دل‌هایشان چنان وارد نشد که جزء مؤمنان به حساب آیند و بهشت بر آنها واجب شود و نه انکار کردند که کافر شوند و مستحق جهنم شوند! این افراد، منتظرند تا خداوند آنها را مجازات کند یا توبه آنها را بپذیرد (عباشی، ۱۳۸۰ق: ۱۱۰/۲).

جعفر طیار، از جمله کسانی می‌باشد که به آنها اجازه جهاد داده شده است: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِنَاهِهِمْ ظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (حج: ۳۹)؛ به کسانی که [ستمکارانه] مورد جنگ و هجوم قرار می‌گیرند، چون به آنان ستم شده، اذن جنگ داده شده است؛ مسلماً خدا بر یاری دادن آنان تواناست.»

این آیه، برای اولین بار اشاره به اذن جهاد دارد. مؤمنان، از ظلم مشرکان به تنگ آمده بودند و در انتظار مبارزه با این ظلم‌ها بودند. در چنین فضای صبورانه، خشن و خفقان‌آور، برای نخستین بار صدای امیدبخشی به گوش آنان رسید. علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود می‌نویسد: این آیه، درباره حضرت علی(ع)، جعفر و حمزه نازل شده است؛ یعنی اینها کسانی هستند که به آنها اجازه جهاد داده شده است (قمی، ۱۴۰۴ق: ۸۴/۲).

جعفر طیار، از جمله کسانی می‌باشد که خداوند اذن تعظیم خانه‌اش را به او داده است: «فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْأَصْوَالِ (نور: ۳۶)؛ [این نور] در خانه‌هایی است که خدا اذن داده [تا شأن و منزلت و قدر و عظمت آنها] رفعت یابند و نامش در آنها ذکر شود. همواره در آن خانه‌ها، صبح و شام، او را تسبیح می‌گویند.»

این آیه، اشاره به منازل انوار هدایتی دارد که خداوند اذن تعظیم آنها را داده است. حضرت امام

کاظم (ع) از پدرش نقل می‌کند که مراد آیه از خانه‌هایی، خانه محمد (ص)، علی (ع) و فاطمه (س)، حسن (ع) و حسین (ع)، حمزه و جعفر است (استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۳۵۹؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش: ج ۴/۷۶). وفا به عهد، یکی از ویژگی‌های بارز حضرت جعفر بود: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (احزاب: ۲۳)؛ از مؤمنان، مردانی هستند که به آنچه با خدا بر آن پیمان بستند [و آن، ثبات قدم و دفاع از حق تا نثار جان است،] صادقانه وفا کردند. برخی از آنان، پیمانشان را به انجام رساندند [و به افتخار شهادت نایل شدند] و برخی از آنان، [شهادت را] انتظار می‌برند و هیچ تغییر و تبدیلی [در پیمانشان] نداده‌اند.»

این آیه، به گروهی از مؤمنان اشاره دارد که در میدان جنگ استقامت کردند و به عهدی که با خدا بسته بودند، وفا کردند. حضرت علی (ع) می‌فرمود که او و عمویش حمزه و برادرش جعفر و پسر عمویش عبیده، با خدا و رسولش عهد به شهادت بسته بودند و آنها (حمزه، جعفر و عبیده) در شهادت بر علی (ع) پیشی گرفتند و او منتظر شهادت است و می‌گفت این آیه سوره احزاب، درباره ما نازل شده است (صدوق، ۱۳۶۲ش: ۳۷۶/۲؛ دیلمی، ۱۴۱۲ق: ۳۵۳/۲؛ ابن حیون، ۱۴۰۹ق: ۳۵۳/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۱ق: ۳۷۳/۲).

طبق روایت امام باقر (ع)، آیه فوق درباره حمزه، جعفر و حضرت علی (ع) نازل شده است. حضرت حمزه و جعفر، به عهد خود وفا کردند و به مسئولیت خود عمل نمودند و حضرت علی (ع) همچنان منتظر است (قمی، ۱۴۰۴ق: ۱۸۸/۲-۱۸۹؛ دیلمی، ۱۴۲۷ق: ۱۵۴). در اکثر منابع شیعه، مراد از «مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ» حمزه و جعفر، و مراد از «مَن يَنْتَظِرُ» حضرت علی (ع) هستند و در برخی منابع، در کنار حمزه و جعفر، عبیده نیز در این گروه قرار گرفته است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ۲۳/۲).

جعفر، از جمله کسانی است که او را به جهت دینش از دیار خودش اخراج کردند: «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ... (حج: ۴۰)؛ همانا که به ناحق از خانه‌هایشان اخراج شدند [و گناه و جرمی نداشتند]، جز اینکه می‌گفتند: پرورگار ما، خداست.»

این آیه، اشاره به این موضوع دارد که برخی از مردم را از خانه و دیارشان تبعید کردند و تنها جرمشان این بود که خدا را پروردگار خود خواندند.

طبق روایت امام باقر (ع)، این آیه درباره علی (ع)، حمزه و جعفر نازل شده است و سپس، درباره امام حسین (ع) نیز جریان دارد (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۵۲۱/۱). کوفی در تفسیر فرات کوفی این حدیث را از امام جعفر صادق (ع) نقل کرده است که این آیه، درباره حضرت علی (ع)، حسن (ع)، حسین (ع)، جعفر و حمزه نازل شده است. در حدیث دیگر می‌فرماید: درباره حضرت علی (ع)، جعفر و حمزه نازل شده و در مورد امام حسین نیز جریان دارد (کوفی، ۱۴۱۰ق: ۲۷۳). پس، اینها کسانی

هستند که تنها به این جرم تبعید شدند که فقط خدا را پروردگارشان می دانستند.

۳. جعفر، از افتخارات بنی هاشم

در کلام اهل بیت (ع) مشاهده می شود که ایشان همواره به یاد جعفر طیار بوده و صفات او را بیان می کردند و به داشتن فردی چون جعفر طیار در خانواده خویش افتخار می نمودند و نام او را در کنار امام علی (ع) می گذاردند؛ حتی در احتجاجات با مخالفان خود، به خویشاوندی جعفر مباهات می کردند (مفید، ۱۴۱۳ق: ۹۷/۲). همین روش، در نزول آیات مربوط به جعفر و روایات تفسیری نیز دیده می شود.

قرآن می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ (آل عمران: ۳۳)؛ بی تردید، خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را [به دلیل شایستگی های ویژه ای که در آنان بود،] بر جهانیان برگزید.»

خداوند متعال در این آیه، به برگزیدگانی برای رهبری و هدایت بشریت اشاره کرده است. مسلم خولانی می گوید: هنگامی که فاطمه زهرا (س) و عایشه مشغول شمردن افتخارات خود بودند، رسول خدا (ص) آمد و این آیه را تلاوت کرد و خطاب به عایشه فرمود: آیا نمی دانی که خداوند آدم، نوح، آل ابراهیم و آل عمران و علی و حسن و حسین و حمزه و جعفر و فاطمه و خدیجه (ع) را بر همه جهانیان برتری داده است (کوفی، ۱۴۱۰ق: ۸۰).

روایات های بسیاری از اهل بیت (ع) بیان شده است که در آن، به حضرت جعفر افتخار شده است؛ ولی چون در ذیل آیات مرتبط با جعفر بیان نشده، از ذکر آن خودداری می کنیم.

۴. مقایسه جعفر با مشرکان و کفار

در قرآن کریم ذیل چندین آیه مربوط به جعفر، روایات تفسیری وجود دارد که در صدد مقایسه جعفر و گروهی از کفار و مشرکان است. این دسته از آیات و روایات، ضمن ذکر فضایل جعفر، وی را بر گروه کفار و مشرکان برتری داده است.

در قرآن آمده: «أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (توبه: ۱۹)؛ آیا آب دادن به حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را مانند [عمل] کسی قرار داده اید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟ [این دو،] نزد خدا برابر و یکسان نیستند و خدا گروه ستمکاران

را هدایت نمی‌کند.»

این آیه، اشاره به این مطلب دارد که آب‌رسانی به زائران و آباد کردن مسجدالحرام، معیار افتخار نیست که به آن افتخار شود؛ چنان که عباس بن عبدالمطلب و شیبیه، به یکدیگر مباحثات می‌کردند. عباس، به حجاج آب زمزم می‌خوراند و شیبیه، معمار کعبه بود. طبق آیه شریفه، اینها نزد خداوند هرگز با کسی که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است، برابری نمی‌کنند. ابوبصیر از امام محمد باقر (ع) یا امام جعفر صادق (ع) روایت کرده است که امام (ع) فرمود: این آیه، درباره حضرت علی (ع)، حمزه، جعفر، عباس و شیبیه نازل شده است. آنها (عباس و شیبیه) به آب‌رسانی به زائران و ساختن کعبه افتخار می‌کردند؛ اما حضرت علی (ع)، حمزه و جعفر، کسانی‌اند که به خدا و روز قیامت ایمان آوردند و در راه خدا جهاد کردند. این دو گروه، نزد خداوند برابر نیستند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۰۳/۸-۲۰۴).

در جای دیگر آمده: «أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعَدًّا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ (قصص: ۶۱)؛ آیا کسی که وعده نیک به او داده‌ایم و حتماً به آن خواهد رسید، مانند کسی است که او را [فقط] از کالا و ابزار زندگی دنیا برخوردارش کردیم. سپس، او در روز قیامت از احضار شونده‌گان [برای عذاب] است؟»

در این آیه، دو شخصیت با هم مقایسه شده‌اند. یکی که خداوند به او وعده حیات جاویدان (بهشت) سرشار از نعمات داده است و دیگری که فقط چند روز دیگر زنده است و برایش تجملات زمانی فراهم شده است و در آخرت، بهره‌ای ندارد. ابن عباس، آیه فوق را از یک سو درباره حمزه و جعفر و حضرت علی (ع)، و از سوی دیگر ابوجهل بن هشام دانسته است. مردمی که به آنها بهترین وعده داده شده، حمزه و جعفر و حضرت علی (ع) هستند؛ خداوند به آنها وعده بهشت داده است و در شرف دریافت این وعده می‌باشند و کسی که فقط مال دنیا به او عنایت شده و در قیامت مستحق عذاب است، ابوجهل بن هشام است و او هرگز نمی‌تواند مانند گروه اول باشد (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۵۶۴/۱). در جای دیگر، جعفر یکی از مصادیق شخص زنده قرار داده شده است؛ با وجود اینکه حیات ظاهری ندارد.

«وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ (فاطر: ۲۲)؛ و زندگان و مردگان هم یکسان نیستند. بی‌تردید، خدا [دعوت حق را] به هرکس بخواهد می‌شنواند و تو نمی‌توانی [دعوت حق را] به کسانی که در قبرهایند، بشنوانی.»

در این آیه، دو شخصیت با هم مقایسه شده‌اند؛ یکی که خداوند او را زنده قرار داده و دیگری که

مرده است. شخص مرده نمی‌تواند برابر شخص زنده باشد. از یک انسان زنده، انتظار زیادی می‌توان داشت؛ درحالی‌که مرده جز پوسیدگی، خیری ندارد. مؤمن، همیشه زنده است و حیات دارد؛ درحالی‌که کافر، مرده است؛ هر چند زنده باشد؛ زیرا قدرت شنیدن کلام حق را ندارد.

طبق روایت ابن عباس، منظور از زندگان در آیه مذکور، حضرت علی(ع)، حمزه، جعفر، حسن(ع)، حسین(ع)، فاطمه و خدیجه هستند و مراد از مردگان، کافران مکه‌اند (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۱۵۴/۲). خداوند متعال آشکار کرد آنها که زنده هستند و آنان که مرده‌اند، هرگز نمی‌توانند یکسان باشند.

آیه دیگر، جعفر طیار را با پسران ربیعه مقایسه می‌کند. جعفر، از جمله کسانی است که عمل صالح انجام می‌دهد و پسران ربیعه، از جمله کسانی هستند که در زمین فساد برپا می‌کنند: «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ (ص: ۲۸)؛ آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، مانند مفسدان در زمین قرار می‌دهیم یا پرهیزکاران را چون بدکاران؟»

در این آیه نیز دو شخصیت با هم مقایسه شده‌اند؛ یکی که عادل است و دیگری که فاسد است. یکی که پرهیزکار است و دیگری که فاسق است. در آیه، روشن است که از جانب خداوند، صالح و فاسد یا پرهیزکار و فاسق، یکی نیستند.

در آیه مذکور، حضرت علی(ع)، حمزه و جعفر طیار، از جمله کسانی‌اند که عمل صالح انجام می‌دهند و پسران ربیعه عتبه و شیبه و ولیدبن عتبه، از مفسدان در زمین شمرده شده‌اند؛ یعنی مصادیق آیه، وسعت یافته و نام افراد بیشتری از هر دو شخصیت ذکر شده است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ۶۴۳/۳؛ ابن عربی، بی‌تا: ۱۶۴۶/۴).

آیه دیگر، جعفر طیار را با بنی‌امیه مقایسه می‌کند. جعفر، از جمله کسانی است که کارهای شایسته انجام می‌دهد و بنی‌امیه، از جمله کسانی هستند که کارهای بد انجام می‌دهند: «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (جاثیه: ۲۱)؛ آیا کسانی که مرتکب گناهان شدند، گمان دارند آنان را مانند کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، قرار می‌دهیم؛ به صورتی که زندگی و مرگشان یکسان باشد؟ چه بد داوری می‌کنند.»

این آیه همچنین، دو شخصیت را با هم مقایسه می‌کند؛ یکی که کارهای بد انجام می‌دهد و دومی که ایمان دارد و کارهای شایسته انجام می‌دهد. این دو، هرگز نمی‌توانند یکسان باشند. زندگی و مردن آنها نیز هرگز نمی‌تواند مساوی باشد.

ابن عباس، در مورد آیه مذکور می‌گوید: «عبارت «اجْتَرَحُوا السَّبَّابَاتِ»، مربوط به بنی‌امیه است و عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»، اشاره به پیامبر(ص)، حضرت علی(ع)، حمزه، جعفر، حسن(ع)، حسین(ع) و فاطمه(س) دارد» (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۲/۲۳۹).

۵. پاداش بزرگ برای جعفر

در قرآن کریم ذیل چندین آیه مربوط به جعفر، روایات تفسیری وجود دارد که در آن برای جعفر در دنیا و هم در آخرت، پاداش بزرگ بیان شده است.

- پاداش در عوض هجرت از سرزمین هایشان: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبُوْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (نحل: ۴۱)؛ و آنان را که پس از ستم دیدنشان برای به دست آوردن خشنودی خدا هجرت کردند، به یقین در این دنیا در مکانی نیکو جای دهیم و قطعاً پاداش آخرت، بهتر و برتر است؛ اگر می‌دانستند.»

این آیه، در شأن مهاجران نازل شده است. اگر هجرت فقط برای رضای خدا باشد و قبل از هجرت ستم دیده باشند، برایشان ثواب دارد؛ هم در دنیا و هم در آخرت.

عبدالله بن عباس در ذیل این آیه نقل می‌کند: مراد از کسانی که در راه خدا ستم دیدند و هجرت کردند جعفر، علی بن ابی طالب(ع) و عبدالله بن عقبیل هستند. مردم مکه بر آنان ظلم کردند و آنان را از وطن خود راندند (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۱/۴۳۱). ثواب آنها نزد خداوند، این است که این افراد در دنیا جایگاه خوبی دارند و در آخرت نیز جایگاهی عالی خواهند داشت.

در آیه دیگر آمده: «قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (زمر: ۱۰)؛ بگو: ای بندگان مؤمنم! از پروردگارتان پروا کنید. برای کسانی که در این دنیا اعمال شایسته انجام داده‌اند، پاداش نیکی است و زمین خدا گسترده است [بر شماست از سرزمینی که دچار تنگنای دینی هستید، به سرزمینی دیگر مهاجرت کنید]. فقط شکیبایان پاداششان را کامل و بدون حساب دریافت خواهند کرد.»

این آیه، در بزرگداشت جناب جعفر طیار و مهاجران حبشه نازل شده است (رشیدالدین میبیدی، ۱۳۷۱ش: ۸/۳۹۳) که از خانه خدا و دیار خود در راه خدا هجرت کردند و در سختی‌ها استقامت ورزیدند و اکنون خداوند به آنان اجر کامل و بی حساب را وعده می‌دهد.

- پاداش در عوض شهادت: «... وَ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ (محمد: ۴)؛ و کسانی که در راه خدا به شهادت رسیده‌اند، خدا هرگز اعمالشان را باطل و تباه نمی‌کند.»

این آیه، به شهادتی اشاره دارد که در نبرد با کافران، استوارانه می‌ایستند و با ضربه زدن به دشمن، آنان را در هم می‌کوبند و در راه خدا جان خود را فدا می‌کنند. همه اعمال این‌گونه شهدا پذیرفته است و هیچ عملی از آنها اشتباه نخواهد بود.

عبدالله بن عباس در مورد آیه فوق می‌گوید: مراد از «وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» حمزه بن عبدالمطلب سیدالشهداء و جعفر طیار است (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۲/۲۴۳). تلاش‌های آنان در جهاد، هیچ‌گاه پایان نمی‌پذیرد و تباہ نمی‌شود و اجرشان نزد خداوند، محفوظ است. - پاداش در عوض کارهای شایسته: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا (اسرا: ۹)؛ بی‌تردید، این قرآن به استوارترین آیین هدایت می‌کند و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می‌دهند، مژده می‌دهد که برای آنان پاداشی بزرگ است.» در این آیه، به این نکته اشاره شده است که قرآن نیز مایه هدایت است و به کسانی که از این هدایت بهره می‌برند، مژده موفقیت و پاداش بزرگ می‌دهد.

سیدی، ابوصالح و ابن‌شهاب، از ابن‌عباس نقل می‌کنند که مراد از مؤمنین در این آیه، عبارت‌اند از: علی(ع)، جعفر، عقیل، حمزه، فاطمه(س)، حسن(ع) و حسین(ع) است که برای آنان در عوض نیکوکاری، پاداش بزرگی است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۷/۴۱).

۶. ترسیم موقعیت آن جهانی جعفر

درباره موقعیت جعفر در روز قیامت و بهشت، چندین روایات تفسیری وجود دارد که در آن، جعفر در کنار اهل بیت(ع)، به‌ویژه امام علی(ع) و در برخی روایات، محور اصلی قرار گرفته و شخصیت‌های بزرگ دیگری در کنارش حضور دارند.

جعفر روز قیامت، در میدان محشر بر آعراف مستقر خواهد بود و بر بهشتیان و جهنمیان نظارت خواهد کرد. قرآن می‌فرماید: «... وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ... (اعراف: ۴۶)؛ و بر آعراف، مردانی [با مقام و منزلت‌اند] که هرکدام از دو گروه را به نشانه‌هایشان می‌شناسند...»

این آیه، اشاره به میدان محشر در روز قیامت دارد که در آنجا مکانی به نام اعراف است که حایل میان بهشت و دوزخ است. در یک طرف آن، بهشتی‌ها و در طرف دیگر، جهنمیان خواهند بود و برخی از افرادی که در آنجا حاضرند، بر بهشتیان و جهنمیان اشراف دارند و همه آنها را از روی صورتشان می‌شناسند؛ یعنی آنان از اعمال مردم آگاه هستند و می‌دانند چه کسی اهل بهشت یا اهل جهنم است. در واقع، آنها عاشقان خود را از نور چهره‌هایشان، و کسانی را که از آنها متنفرند، از

سیاهی صورتشان خواهند شناخت.

طبق روایت ابن عباس، در آیه مذکور مردانی که در بلندی‌ها (اعراف) قرار می‌گیرند و همه را از چهره‌هایشان می‌شناسند، عبارت‌اند از: حضرت علی (ع)، جعفر (ع) و حمزه (ع) که دوستان خود را از نور چهره‌هایشان، و دشمنان را از سیاهی صورتشان خواهند شناخت (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۲۶۴/۱) و دوستان خویش را که وارد بهشت نشده‌اند، ولی ورود به آن را امید دارند، آواز می‌دهند که درود بر شما. ثعلبی در کتاب الکشف والبیان حدیث جویبر بن سعید را که جویبر آن را از طریق ابن عباس نقل کرده، آورده است. در این روایت، نام عباس نیز به این گروه اضافه شده است. بر اساس این روایت ابن عباس، مراد از اعراف در آیه مذکور، مقام بلندی صراط است که در آنجا عباس، حمزه، حضرت علی بن ابی طالب (ع) و جعفر ذو الجناحین، می‌نشینند که دوستان خویش را با چهره‌های روشن، و دشمنان خود را با سیاهی چهره‌هایشان خواهند شناخت (ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۲۳۶/۴).

جعفر طیار، از بهشتیان می‌باشد؛ چنان که در قرآن کریم آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَيَّ اللَّهُ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بَأْيَمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَ اغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (تحریم: ۸)؛ ای مؤمنان! به پیشگاه خدا توبه کنید؛ توبه‌ای خالص [که شما را از بازگشت به گناه بازدارد]. امید است پروردگارتان گناهاتتان را از شما محو کند و شما را به بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، درآورد؛ در آن روزی که خدا پیامبر و کسانی را که همراه او ایمان آورده‌اند خوار نمی‌کند، نورشان پیشاپیش آنان و از سوی راستشان شتابان حرکت می‌کند [و] می‌گویند: ای پروردگار ما! نور ما را برای ما کامل کن و ما را پیامرز که تو بر هر کاری، توانایی.»

طبق روایت ابن عباس، کسانی که با پیامبر (ص) ایمان آوردند و غذایی به آنان نمی‌رسد، حضرت علی بن ابی طالب (ع)، فاطمه (س)، حسن (ع)، حسین (ع)، حمزه و جعفر هستند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ۱۵۵/۲).

جعفر طیار در روز قیامت، چهره‌ای نورانی خواهد داشت: «وَجُوهٌ يُّؤَمِّنُونَ مُسْفِرَةٌ، صَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ (عبس: ۳۸-۳۹)؛ در آن روز، چهره‌هایی درخشان و نورانی است؛ خندان و خوشحال.»

در این دو آیه، پاداش گروه موفق و حاضر در روز قیامت بیان شده است.

انس بن مالک می‌گوید: از رسول خدا (ص) درباره دو آیه فوق سؤال کردم، فرمود: منظور از این صورت‌ها، ما اولاد عبدالمطلب هستیم؛ من، علی (ع)، حمزه، جعفر، حسن (ع)، حسین (ع) و فاطمه. ما چنان از قبرهای خود بیرون می‌آییم که نور چهره‌هایمان مانند نور خورشید در روز قیامت باشد

(حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۲/۴۲۳).

مطابق آیه دیگری از قرآن، برای حضرت جعفر، نعمت‌های جاویدان بهشت است: «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...» (بقره: ۲۵)؛ و کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته [چون عبادت حق و خدمت به خلق] انجام داده‌اند، مژده ده که بهشت‌هایی ویژه آنان است که از زیر [درختان] آن، نهرها جاری است.»

در این آیه، بشارت نعمت‌های جاویدان بهشت به کسانی داده شده که در کنار ایمان، عمل صالح انجام می‌دهند. ابن عباس، نزول این آیه را برای حضرت علی(ع)، حمزه، جعفر و عبیده بن حارث بن عبدالمطلب دانسته است (حسین بن حکم، ۱۴۰۸ق: ۲۳۵). نخستین بار حسین بن حکم (قرن سوم) در تفسیر خودش به نام الحبری، این آیه را از ابن عباس برای بزرگداشت این افراد ذکر کرده است. کوفی (م ۳۰۷ق) در تفسیر فرات کوفی (کوفی، ۱۴۱۰ق: ۵۳)، حسکانی (م ۴۹۰ق) در تفسیر شواهد التنزیل (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۹۶/۱) و یحیی بن حسین (م ۵۸۸ق) در تفسیر امالی الخمسیة، در ذیل آیه مذکور همین روایت حسین بن حکم را ذکر کرده‌اند.

در آیه دیگر آمده: «وَوَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ (حجر: ۴۷)؛ و آنچه از دشمنی و کینه در سینه‌هایشان بوده، برکنده‌ایم که برادروار بر تخت‌هایی روبه‌روی یکدیگرند.»

این آیه، به نعمت‌هایی که در بهشت نصیب متقین می‌شوند، اشاره دارد. با توجه به آیات قبل و بعد، اینها پرهیزکارانی هستند که به آنها گفته می‌شود با آرامش و امنیت وارد بهشت شوید. آنها برادروار در بهشت بر تخت‌هایی روبه‌روی یکدیگر می‌نشینند و از نعمت‌های الهی برخوردار می‌شوند و در آنجا آسیبی نمی‌بینند و از آنجا رانده نمی‌شوند و برای همیشه در آنجا می‌مانند.

ابن عباس نقل می‌کند که آیه فوق در مورد حضرت علی بن ابی‌طالب(ع)، حمزه، جعفر، عقیل، ابوذر، سلمان، عمار، مقداد، حسن و حسین(ع) نازل شده است (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۱۳/۱-۴۱۴).

در آیه دیگر آمده: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ (طور: ۱۷)؛ بی‌تردید، پرهیزکاران در بهشت‌ها و نعمتی فراوان‌اند.»

این آیه و برخی از آیات بعدی، پاداش پرهیزکارانی را بیان می‌کند که به عطایای پروردگارشان خرسند می‌شوند و پروردگارشان آنها را از عذاب جهنم نجات می‌دهد.

ابن عباس می‌گوید: آیه فوق، صرفاً در مورد حضرت علی(ع)، حمزه، جعفر و فاطمه(س) نازل گشته است (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۲/۲۶۹).

در آیه دیگر آمده: «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ عَلَىٰ الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ (مطففین: ۲۲-۲۳)؛ بی‌تردید،

نیکان در نعمتی فراوان اند بر تخت‌های آراسته و پُرازش تکیه زده و مناظر زیبای بهشت را با چشم سر، و جمال محبوب را با چشم دل می‌نگرند.»

در این دو آیه نیز پاداش گروه رستگار حاضر در روز قیامت بیان شده است.

طبق روایت ابن عباس، این دو آیه درباره حضرت علی (ع)، فاطمه (س)، حسن (ع)، حسین (ع)،

حمزه و جعفر نازل گشته است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ۳/۲۳۳).



نتیجه

در ۲۶ سوره قرآن کریم، ۳۴ آیه وجود دارد که در آن، حضرت جعفر طیار به عنوان مصداق بارز ذکر شده است. روایات تفسیری مرتبط با حضرت جعفر، به ۶ دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول روایات، به ایمان حضرت جعفر طیار اشاره دارد. وی از مؤمنان است که در مقابل منافقان سبک‌مغز معرفی شده است. وی به پیامبر و آیات الهی، ایمان کامل دارد و از مؤمنان حقیقی است. همواره از خدا، رسول اکرم (ص) و امیر مؤمنان (ع) اطاعت نموده است. وی یکی از اولیای الهی و شهدای واقعی است و از جمله کسانی است که رهبر و مالک وی، خداوند است؛ درحالی‌که کفار سرپرست ندارند.

دسته دوم روایات، به ویژگی‌های جعفر طیار پرداخته است. خداوند، جعفر را شایسته تولیت مسجدالحرام و خانه خویش قرار داد. وی، نه بیم دارد و نه اندوهگین می‌شود. یکی از ویژگی‌های وی، این است که قاتلان او، اگرچه ظاهراً اسلام را پذیرفته‌اند، اما خداوند اعمالشان را معلق نگه داشته است. به او اذن جهاد داده شده است و خداوند تعظیم خانه‌اش را امر کرده است. ویژگی بارز وی، وفای به عهد است و به جهت همین عهد، دیار خویش را ترک نمود و در آخر جام شهادت نوشید. دسته سوم روایات، به افتخارات وی اشاره دارد. اهل بیت (ع) همواره به جعفر افتخار می‌کردند و نام او را در کنار امام علی (ع) می‌گذاشتند و در احتجاجات با مخالفان خود، به خویشاوندی وی مباهات می‌کردند.

دسته چهارم، روایاتی هستند که در آن، جعفر با مشرکان و کفار مقایسه شده است و ضمن ذکر فضایل جعفر، وی را بر گروه کفار و مشرکان و منافقان برتری داده‌اند.

دسته پنجم روایات، بیانگر پاداش جعفر هستند که هم در دنیا و هم در آخرت، به او تعلق دارد؛ از جمله: پاداش در عوض هجرت، پاداش در عوض شهادت و پاداش در عوض کارهای شایسته.

دسته ششم روایات، به موقعیت او در روز قیامت و روز محشر اشاره دارند؛ از جمله: وی بر اعراف مستقر خواهد شد و بر بهشتیان و جهنمیان نظارت خواهد کرد. او در روز قیامت، دارای چهره‌ای نورانی خواهد بود و برایش در بهشت، نعمت‌های جاویدان است.

منابع

١. قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان.
٢. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، ١٤٠٩ق، شرح الأخبار فی فضائل الائمة الأطهار(ع)، محقق/مصحح: محمدحسین حسینی جلالی، قم، جامعه مدرسین.
٣. ابن سعد، محمد، ١٤١٠ق، الطبقات الكبرى، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة.
٤. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ١٣٧٩ق، مناقب آل ابی طالب(ع)، چاپ اول، قم، علامه
٥. ابن طاووس، علی بن موسی، ١٤٠٠ق، الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف، محقق/مصحح: علی عاشور، چاپ اول، قم، خیام.
٦. —، ١٤١٣ق، الیقین باختصاص مولانا علی(علیه السلام) یامرة المؤمنین، محقق/مصحح: اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، چاپ اول، قم، دار الکتب.
٧. ابن عربی، محمد بن عبد الله بن ابوبکر، بی تا، احکام القرآن، بی جا.
٨. استرآبادی، علی، ١٤٠٩ق، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، محقق/مصحح: حسین استادولی، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
٩. آقابزرگ طهرانی، بی تا، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
١٠. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ١٣٧٤ش، البرهان فی تفسیر القرآن، محقق/مصحح: قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسه البعثة، چاپ اول، قم، مؤسسه بعثت.
١١. —، ١٤١١ق، حلیة الأبرار فی أحوال محمد وآله الطاهرة، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة.
١٢. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، ١٤٢٢ق، الكشف والبیان عن تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
١٣. جبری کوفی ابوعبدالله، حسین بن حکم، ١٤٠٨ق، تفسیر الحبری، چاپ اول، بیروت، مؤسسه آل البيت(ع) لإحياء التراث.
١٤. حجتی، محمدباقر، ١٣٦٩، أسباب النزول، با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
١٥. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، ١٤١١ق، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، محقق/مصحح: محمدباقر محمودی، التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامی، چاپ اول، تهران، مجمع إحياء الثقافة الإسلامیة.
١٦. دیلمی، حسن بن محمد، ١٤١٢ق، إرشاد القلوب إلى الصواب، چاپ اول، قم، الشریف الرضی.
١٧. —، ١٤٢٧ق، غرر الأخبار، محقق/مصحح: اسماعیل ضنیغم، چاپ اول، قم، دلیل ما.

١٨. رشیدالدین میبدی، احمد بن ابی سعد، ١٣٧١ ش، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تحقیق: علی اصغر حکمت، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
١٩. صدوق، محمد بن علی، ١٣٦٢ ش، الخصال، محقق/مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین.
٢٠. طبرسی، فضل بن حسن، ١٣٧٢ ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
٢١. عبدالهادی مسعودی، ١٣٩٢، «اعتبارسنجی منابع تفسیر روایی شیعه»، تفسیر اهل بیت (ع)، شماره اول، بهار و تابستان: ٢٦-٢٧.
٢٢. عیاشی، محمد بن مسعود، ١٣٨٠ ق، تفسیر العیاشی، محقق/مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
٢٣. فاکر میبدی، محمد، ١٣٩٣، مبانی تفسیر روایی، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
٢٤. قمی، علی بن ابراهیم، ١٤٠٤ ق، تفسیر قمی، محقق/مصحح: طیب موسوی جزائری، قم، دار الکتاب.
٢٥. کلینی، محمد بن یعقوب، ١٤٠٧ ق، الکافی، محقق/مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
٢٦. کوفی، فرات بن ابراهیم، ١٤١٠ ق، تفسیر فرات کوفی، محقق/مصحح: محمد کاظم، چاپ اول، تهران، مؤسسه الطبع والنشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی.
٢٧. لجنه التحقیق لمدرسة الإمام باقر العلوم (ع)، ١٤٢٢ ق، موسوعة کتاب الله واهل البيت (ع) فی حدیث نقلین، قم، دلیل ما.
٢٨. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ١٤٠٣ ق، بحار الأنوار، محقق/مصحح: جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
٢٩. محمدی ری شهری، محمد، ١٣٩٠ ش، درآمدی بر تفسیر جامع روایی، مؤسسه علمی - فرهنگی دار الحدیث، چاپ اول، قم، سازمان چاپ و نشر.
٣٠. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ١٤١٣ ق، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تصحیح: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول، قم، کنگره شیخ مفید.
٣١. مقاتل بن سلیمان، ١٤٢٣ ق، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق: عبدالله محمود شحاته، چاپ اول، بیروت، دار إحياء التراث.